

ارایه چارچوب مفهومی شهرهای پایدار، هوشمند و دانش بنیان

سیداحمد حسینی نیا^{۱*}، پسند مهدوی سعیدی

۱- سیداحمد حسینی نیا، معاون معماری و شهرسازی شهرداری اصفهان، دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) sahn.1357@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری تخصصی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) Pms.1356@yahoo.com

چکیده

شهرسازی معاصر تحت تأثیر رویکردهای نوین به خصوص توسعه پایدار، توسعه دانش بنیان و شهرهای هوشمند است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر، ارایه چارچوب مفهومی برای شهرهای پایدار، دانش بنیان و هوشمند است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف توصیفی-تحلیلی و روش آن تحلیل محتوا است. نتایج پژوهش نشان دهنده آن است که مفاهیم شهر پایدار، هوشمند و شهر دانش محور دارای مولفه های مشترکی هستند که یک چارچوب مفهومی کلی را تشکیل می دهند. چارچوب مفهومی شهر پایدار، هوشمند و دانش محور دارای سه مولفه کلیدی مشتمل بر راهبران اجرا، رویکرد یکپارچه مدیریت دانش و پایش و ارزیابی است. راهبران اجرا به ترکیبی از سه محور مشتمل بر حکمروایی، نوآوری و پایداری اطلاق می شود. رویکرد یکپارچه مبتنی بر توسعه شهری دانش بنیان است. این رویکرد روشن می کند چگونه مدیریت دانش باید خود را از نظر دستورالعمل ها، اولویت ها، کلان فرآیندها، چالش های شهری ماموریت محور سازماندهی کنند تا بتواند پویایی های توسعه شهر دانش بنیان را تحقق نماید. نظارت و پایش به ساختارهای دانش گفته می شود که به عنوان سازوکار تنظیم و کنترل فعالیت ها و کارکردهای حیاتی سیستم های شهری عمل می کند. همینطور شامل یک چارچوب نظارتی می شود که ارزش سیستم را در یک روش جامع و کل نگر اندازه می گیرد.

واژه‌های کلیدی: شهر پایدار، شهر هوشمند، شهر دانش محور، راهبران اجرا، رویکرد یکپارچه مدیریت دانش، پایش و ارزیابی

۱- مقدمه

نظریه‌ها و مطالعات جدید بر عوامل بهره‌وری کلیدی اقتصاد جدید در کشورهای غربی تأکید دارند که از آن جمله می توان به الگوهای انعطاف پذیری سازمانی، اطلاعات، دانش و خلاقیت اشاره کرد. امروزه، دانش، فرهنگ و خلاقیت به سنگ بنای استراتژی شهرها برای توسعه محلی تبدیل شده اند. در نتیجه، پارادایم های جدیدی از جمله شهر اطلاعاتی، شهر دانش و شهر خلاق برای اقتصاد سیاسی نمایان شده است. در این میان، برخی از صاحب نظران، ویژگی هایی را تحلیل کرده اند که موجب انباشت اقتصادی و رقابت پذیری بیشتر در شهرهای پسا فوردیستی شده است. از جمله این ویژگی ها می توان به محدوده های صنعتی جدید، محیط های نوآورانه، سیستم های تولید محلی، خوشه های شهری و غیره اشاره نمود. به تازگی، برخی از صاحب نظران، برای درک متغیرهای کلیدی رقابت پذیری، رویکردهای مختلف را ترکیب کرده اند (۱).

سده بیست و یکم به عنوان «سده شهرها» شناخته شده، همچنین سده حاضر به عنوان «سده دانش محوری» نام گذاری شده است، چرا که دانش نیروی راهبر توسعه شهری و اقتصادی می باشد. کاریلو (۲۰۰۶) این دو را با هم ترکیب نموده و سده بیست و یکم را «سده شهرهای دانش» نامیده است. افزون بر این با ارزش ترین دارایی های یک شرکت در سده بیستم، تجهیزات تولیدی اش بود، در حالی که با ارزش ترین دارایی یک نهاد در سده بیست و یکم (چه تجاری و چه غیر تجاری)، کارکنان دانشی و بهره وری آنها خواهد بود. در طول دو دهه گذشته شاهد تکامل سریع مفهوم «شهرهای دانش» بوده ایم، به

¹Post-Fordist city